

Realism from a Literary School to Societal Reflection in Literature

Pathology of Realism Research in Persian Literary Papers

Hashem Sadeghi mohsenabad*

Abstract

The present study aimed to analyze the fundamental shortcomings of the papers written on the subject of realism in the Persian literature. To do so, first the number of such papers published in the national academic journals were determined. Then, the findings of such papers were compared against the realistic fundamentals and principles and the opinions of realists. The papers under study were divided under three categories: the first category consisted of those papers that studied realism and its features theoretically. The second category was related to those papers that investigated the realistic fundamentals and principles in a Persian literary work or in a writer's literary collection. The third category referred to those papers that investigated the realistic features in the literary works comparatively. The results of the study revealed that due to the lack of deep investigation into the theoretical and philosophical foundations of realism, some fundamental mistakes have appeared in the papers, including the reduction of realism to story elements, the societal reflection in literary works, and the lack of differentiation between the different meanings of realism (as a school, a story writing style, etc.).

Keywords: Realism, Literary School, Story Writing Style, Objectivity, societal reflection.

* assistant professor, Persian literature, university of neyshabur, sadeghi.hashem62@gmail.com

Date received: 02/02/2021, Date of acceptance: 22/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

رنالیسم از مکتب ادبی تا بازتاب اجتماعیات در ادبیات آسیب‌شناسی رنالیسم پژوهی در مقالات ادبی حوزه زبان فارسی

هاشم صادقی محسن آباد*

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین کاستی‌های بنیادین مقالاتی است که در باب رنالیسم در حوزه زبان فارسی، به نگارش درآمده‌اند. به این منظور، در گام نخست مقالاتی که در نشریات دانشگاهی کشور در باب رنالیسم منتشر شده و مدعی بررسی اصول رنالیستی در متون ادبی بوده‌اند، احصا شده است. سپس مطالب و یافته‌های این مقالات در مقایسه با مبانی و اصول رنالیسم و آرای رنالیست‌ها مورد سنجش قرار گرفته‌اند. مقالات مورد بررسی این پژوهش، ذیل سه گروه قابل دسته‌بندی است: دسته اول مقاله‌هایی را در بر می‌گیرد که رنالیسم و ویژگی‌های آن را به‌لحاظ نظری مورد بررسی قرار داده‌اند؛ دسته دوم مقالاتی هستند که اصول و مبانی رنالیسم را در یک اثر ادبی فارسی یا مجموعه‌ای از آثار یک نویسنده نشان داده‌اند؛ دسته سوم آثاری هستند که شاخصه‌های رنالیستی را در آثار ادبی به‌صورت تطبیقی واکاوی کرده‌اند. نتایج بررسی نشان از آن دارد که به دلیل عدم توغل در مبانی نظری و بنیان‌های فلسفی، فروکاستن رنالیسم به عناصر داستان و یا بازتاب اجتماعیات در اثر ادبی، عدم تمایز میان معانی رنالیسم (مکتب ادبی، سبک داستان‌نویسی و ...)، خطاها و کاستی‌هایی بنیادین به مقالات رنالیسم‌پژوهی فارسی راه یافته است.

کلیدواژه‌ها: رنالیسم، مکتب‌های ادبی، سبک داستان‌نویسی، عینیت، بازتاب اجتماعیات.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نیشابور، sadeghi.hashem62@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

رنالیسم از اصطلاحاتی است که در باب تعریف آن اتفاق نظری میان محققان وجود ندارد. در این میان، همگان بر سر سیالیت معنای رنالیسم و دشواری تعریف دقیق و روشن آن توافق دارند.^۱ کاربرد اصطلاح رنالیسم در بافت‌های متفاوت زندگی روزمره و مباحث علمی، از یک سو و معانی مختلف آن در حوزه‌های متفاوت فلسفی، هنری و ادبی از دیگر سو، ابهام و انعطاف‌پذیری معنای آن را دوچندان کرده است. رنالیسم به‌خاطر هم‌سانی واژگانی و معنایی با واقعیت و حقیقت به مباحث فلسفی راه یافته است. ولک نشان داده است که مفهوم رنالیسم از دیرباز با معنایی متفاوت از مقاصد امروزی، رواج داشته است. مفهوم رنالیسم ابتدا در تقابل با نام‌گرایی (Nominalism) و در قرن هجدهم در تقابل با آرمان‌گرایی (Idealism) به کار رفته است (Wellek, 1969: 3). افزون بر این، مفهوم رنالیسم، با مجموعه‌ای از مفاهیم ارتباطی تنگاتنگ دارد که آن‌ها نیز تعریف روشن و محصلی ندارند: امر واقع، حقیقت، واقع‌گرایانه و واقعی. گاه از این واژه‌ها، تقریباً همان معنی واقع‌گرایی اراده می‌شود و گاه در معنایی مخالف به کار بسته می‌شوند. (Pam, 2005: 2).

رنالیسم در ادبیات، پیش و بیش از هر چیز، با جنبش ادبی قرن نوزدهم پیوند یافته است. مشخصه‌های نوشتار رنالیستی در گام نخست در تقابل با رمانتیسم تعریف شده و بر تقابل میان تخیل و واقعیت استوار شده است. رنالیسم به‌مثابه سبکی از داستان‌نویسی پس از قرن نوزدهم در کنار دیگر جریان‌های ادبی تا زمان حاضر، استمرار داشته است. اصطلاحات واقعیت‌گرایی و دیگر مفاهیم وابسته با آن همراه با اندیشه‌های نوزایی در دوران مشروطه وارد گفتمان ادبی و انتقادی ایران شد و تأثیرهایی - هرچند اندک - در نگرش و نگارش واقع‌گرایانه در نظام ادبی ایران بر جای گذاشت. به‌درستی مشخص نیست که نخستین بار چه کسی از این مفاهیم در بافت زبان فارسی سخن به میان آورده است؛ اما بررسی اجمالی آثار دوره مشروطه و پهلوی روشن می‌سازد که واقع‌گرایی و دیگر اصطلاحات وابسته به آن، به‌ویژه رنالیسم سوسیالیستی، هم در محافل روشنفکری و هم در مباحث ادبی، محمل‌گفت‌وگوهای فراوان بوده است و نوشتارهای کوتاه فراوانی در باب رنالیسم سوسیالیستی در جراید و نشریات آن دوران منتشر شده است که هم به سویه

زیبایی‌شناختی و هم به ساحت ایدئولوژیک آن نظر داشته‌اند. یکی از بحث‌های محوری در نخستین گنگره نویسندگان ایران نیز معطوف به رنالیسم و ادبیات متعهد بوده است.

در دهه‌های اخیر در نشریات علمی- پژوهشی مقالات متعددی در باب رنالیسم/ واقع‌گرایی در هنر و حوزه‌های مختلف علوم انسانی (فلسفه، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، ادبیات و ...) به نگارش درآمده‌اند. هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مقالات رنالیسم در پژوهش‌های ادبی است. بررسی‌ها نشان از آن دارد که پاره‌ای از بدفهمی‌ها، سطحی‌نگری و برداشت‌های تقلیل‌گرایانه از شاخصه‌های رنالیسم بدین مقالات راه یافته است. در پژوهش حاضر می‌کوشیم تا شماری از مهم‌ترین نقص‌ها و کاستی‌های این مقالات را نشان بدهیم.

دامنه پژوهش حاضر صرفاً محدود به مقالاتی است که رنالیسم را در مطالعات ادبی به‌کار بسته‌اند اعم از اینکه رنالیسم را به‌صورت نظری و تاریخی واکاویده‌اند و یا خوانشی مبتنی بر اصول و ویژگی‌های رنالیسم از آثار ادبی به دست داده‌اند. در مجموع حدود چهل‌وشش مقاله پژوهشی با موضوع رنالیسم در مطالعات ادبی نگاشته شده که اصطلاح رنالیسم/ واقع‌گرایی در عنوان آن‌ها قید شده است.^۲ مجموع این مقالات ذیل سه گروه قابل دسته‌بندی است: دسته اول مقاله‌هایی را در بر می‌گیرد که ویژگی‌های نظری رنالیسم را موردبررسی قرار داده‌اند؛ دسته دوم مقالاتی هستند که اصول و مبانی رنالیسم را در یک اثر ادبی فارسی یا مجموعه‌ای از آثار یک نویسنده، پی گرفته‌اند؛ دسته سوم آثاری هستند که ویژگی‌های رنالیستی را در یک اثر فارسی با یک اثر غیرفارسی یا فارسی به‌صورت تطبیقی واکاویده‌اند.

در بررسی آسیب‌شناسی مقالات رنالیسم، کاستی‌های فراوان اعم از انتشار مقالات تکراری^۳، عدم رعایت امانت^۴، بدفهمی‌های نظری^۵ و ... قابل‌استخراج است؛ اما پیش از ورود به بحث و آسیب‌شناسی مقالات، ذکر چند نکته ضروری می‌نماید: نخست این‌که در این پژوهش صرفاً به مقالاتی خواهیم پرداخت که کاستی کاربست و یا خوانش رنالیستی در آن‌ها نمود برجسته‌تری داشته است. دیگر این‌که در این پژوهش، کاستی‌های فراگیری بررسی شده‌اند که در مقالات متعدد قابل استحصال بوده‌اند.

۲. تغافل از مبانی نظری و بنیان‌های فلسفی رئالیسم

رئالیسم از بطن تحول سنت اندیشگانی قرن هجدهم سر برآورد و در بستری تکوین یافت که استیلای متافیزیک و دانش عقلانی بر ادراک حسی و دریافت واقعیت به چالش کشیده شده بود. «رئالیسم به‌طور ویژه با آشکال سکولار و عقلانی دانش پیوند یافته است که سنت روشن‌گری را بر می‌سازند؛ سنتی که در رشد درک علمی قرن هجدهم ریشه داشت.» (Pam, 2005: 9). اصول و مبانی رئالیسم ادبی بر پایه اندیشه‌ای بنیان نهاده شده است که شناخت واقعیت و اکتساب دانش تجربی در باب پدیده‌های عینی و اجتماعی را از طریق بازنمایی جزئیات محسوس و عینی قابل حصول می‌پندارد.

در مقالاتی که در زبان فارسی در باب رئالیسم نگاشته شده‌اند غالباً مؤلفه‌های رئالیستی بدون غور و تدقیق در بنیان‌های فلسفی آن، صرفاً به‌مثابه ویژگی‌های ادبی به مطالعه گرفته می‌شود. توصیف جزئیات، مشاهده، عینیت و ... به‌عنوان ویژگی‌های رئالیستی برشمرده می‌شوند؛ اما نخستین پرسش‌هایی که در باب پشتوانه فلسفی این مؤلفه‌ها در ذهن مخاطب سر برمی‌آورند بدون پاسخ می‌مانند: چرا جزئیات به‌جای کلیات نشست و به‌عنوان یک از مشخصه‌های بنیادین رئالیسم درآمد؟ عینیت و مشاهده متأثر از کدامین بینش فلسفی و اندیشگانی به ساحت ملاک شناخت و ارزیابی متون ادبی پای نهاد؟ آرای فلسفی پشتوانه این مؤلفه‌ها در تناظر با کدام آرای فلسفی و بازنمودهای ادبی آن قرار داشت؟

توصیف جزئیات در مقالات متعددی جزو اصول رئالیستی بررسی شده یا شواهدی از توصیف جزئیات، از متن رمان‌ها برای اثبات رئالیستی بودن آن‌ها برکشیده شده است (مسبوق و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۳۶؛ حیدری و حاتمی تل مارانی، ۱۳۹۵: ۴۴؛ مجیدی و رستمی، ۱۳۹۲: ۷۹)؛ اما به‌ندرت، ارتباط جزئیات با زیربنای فکری و اندیشگانی رئالیسم پی گرفته شده است. رجحان کلیات ثابت و لایتغیر قرن‌ها تحت تأثیر آرای افلاطون بر ادبیات سیطره داشت تا آنجا که یکی از مؤلفه‌های جنبش کلاسیسم به شمار می‌رفت. از نظر افلاطون، جزئیات محسوس نمی‌توانند متعلقات معرفت حقیقی باشند. شناخت حقیقی تنها به مسائل کلی تعلق می‌گیرد که ثابت و پایدار باشند (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۱۷۹)؛ اما در مقابل، رمان رئالیستی که مقارن و همزاد فهم مادی‌گرایانه مدرن از واقعیت است به‌جای حقایق ثابت و جهان‌شمول مبتنی بر آرمان‌گرایی، متأثر از دیدگاه‌های تجربه‌گرایانه، حقیقت را در امور جزئی و خاص می‌بیند (Pam, 2005: 3). ایان وات گرایش به جزئیات در

رنالیسم از مکتب ادبی تا بازتاب اجتماعیات ... (هاشم صادقی محسن آباد) ۱۹۹

ادبیات رنالیستی را، به‌طور مشخص، متأثر از رهیافت‌های روان‌شناختی هابز و لاک دانسته است (وات، ۱۳۸۶: ۲۳).

مقالات متعددی به‌صورت توصیفی به اصل مشاهده در داستان رنالیستی نیز اشاره کرده‌اند (رادفر و حسن‌زاده میرعلی، ۱۳۸۳: ۳۰؛ اویسی کهخا و فرهادی، ۱۳۹۴: ۱۳ و ۱۴ و ...) و یا گامی فراتر نهاده و آن را در تقابل با دیدگاه‌های رمانتیسم سنجیده‌اند: «به‌طورکلی رنالیسم در درجه اول، طرفدار کشف و بیان واقعیتی است که رمانتیسم یا به آن توجهی نداشت و یا آن را فسخ می‌کرد. نبوغ نویسنده رنالیست در خیالبافی نیست، بلکه در مشاهده و دیدن واقعیت‌های موجود است.» (فرضی و امانی آستمال، ۱۳۹۱: ۱۳۷)؛ اما نویسندگان، غالباً تغییر در نگرش‌های فلسفی را پی نگرفته‌اند که به مشاهده برای درک و شناخت حقیقت اصالت بخشید و به تبع آن مشاهده به‌عنوان مشخصه‌ای تعیین‌کننده به ساحت هنر و ادبیات ورود یافت. درحالی‌که طی قرون متمادی، مشاهده برای شناخت حقیقت معتبر دانسته نمی‌شد، تجربه‌گرایی مشاهده را به‌عنوان ابزاری معتبر در فهم و شناخت واقعیت برمی‌کشد. در این میان، گویا فرانسیس بیکن، بیش از دیگران، بر اصالت مشاهده برای شناخت و درک حقیقت تأکید داشته است. «انسان چون خادم و مفسر طبیعت است لاجرم فقط تا حدودی می‌تواند از آن سر دربیورد که جریان آن را در عمل یا در نظر مشاهده کرده باشد و در فوق این نه چیزی می‌داند و نه چیزی می‌تواند» (بیکن، ۱۳۹۲: ۳۳ به نقل از صادقی محسن آباد، ۱۳۹۳: ۴۸).

در باب شخصیت نوعی در داستان‌های رنالیستی، نویسندگان مقالات فارسی به نقل قول‌هایی از لوکاچ بسنده نموده‌اند که ابداع شخصیت نوعی را جزو مشخصه‌های اصلی داستان‌های رنالیستی می‌داند. شخصیتی که وجود او کانون همگرایی و تلاقی تمام عناصر تعیین‌کننده‌ای می‌شود که در یک دوره تاریخی مشخص، از نظر انسانی و اجتماعی، جنبه اساسی دارد (خاتمی و تقوی، ۱۳۸۵: ۱۰۲؛ پروینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷ و ...). اما غالباً دلیل ابداع شخصیت نوعی و کارکرد آن در داستان رنالیستی را به پرسش نگرفته‌اند.

هنگامی که نویسنده‌ای در اثر خود، به‌جای یک شخصیت دارای فردیت، یک تیپ را هدف انتقاد قرار می‌دهد، در حقیقت از اوضاع اجتماعی خاصی انتقاد می‌کند که باعث پیدایش این تیپ شده است. به اعتقاد نویسندگان تیپ ساز، هنگامی که شمار دارندگان یا عاملان یک عیب یا کاستی آن‌قدر زیاد می‌شود که می‌توان از آن‌ها تیپ ساخت - یعنی به‌صورت یک چهره جمعی که خواننده یا بیننده اثر بتواند نمونه‌های آن را در

زندگی روزمره خود بازشناسد- پس حتماً اوضاع نابسامان بر جامعه حکم فرماست که موجب پیدایش این عیب در شمار زیادی از افراد می‌شود. به عبارت دیگر، جامعه علت است و افراد یا تیپ‌ها معلول. (کریمی مطهر و اکبر زاده، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۵)

عدم ریشه‌یابی مؤلفه‌های رئالیستی را در بحث جامعه‌گرایی نیز می‌توان نشان گرفت. جامعه‌گرایی رئالیسم معمولاً به تقابل با فردگرایی رمانتیسم فروکاسته شده است. حال آن‌که جامعه‌گرایی رئالیسم هرچند در تقابل با فردگرایی رمانتیک قرار می‌گیرد؛ اما اساس این تقابل در تحولات سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب فرانسه و طرح دیدگاه «هنر برای جامعه» ریشه داشته دارد (قرلسفی، ۱۳۸۸: ۱۷۷-۱۸۲). توجه رئالیسم به جامعه معاصر نیز در تقابل با نگاه معطوف به گذشته در جنبش‌های ادبی پیشین است. هنرمندان کلاسیک، هنر و ادبیات یونان و روم قدیم را سرلوحه کارشان قرار داده بودند و از قواعد ثابت و لایتغیر برگرفته از ادبیات روم و یونان قدیم، به‌ویژه آرای ارسطو، تبعیت می‌کردند. در مکتب رمانتیسم، هرچند همچون کلاسیسم تقید و الزام تقلید از دوره‌ای مشخص وجود ندارد؛ اما عطف توجه به آثار قرون وسطی، در آثار رمانتیک‌ها پر فروغ بوده است.

بررسی مقالات فارسی در باب رئالیسم نشان از آن دارد که نویسندگان غالباً مؤلفه‌های رئالیستی را به ویژگی‌های ادبی معطوف به متن فروکاسته‌اند و فراتر از احصای شواهد رئالیستی از رمان‌های فارسی، در پی تبیین دلیل وجودی این مؤلفه‌ها بر نیامده‌اند. این ساده‌سازی و عدم استقصای پشتوانه‌های فلسفی در حالی است که در این مقالات از مشهورات بدیهی، به تکرار سخن به میان آمده است.

۳. فروکاستن رئالیسم به عناصر داستان یا به بازتاب اجتماعیات

یک از ایرادات بنیادین مقالات مربوط به رئالیسم در زبان فارسی ناظر به جدایی افکندن میان صورت و محتوای آثار ادبی است که گاه پژوهش‌های منتشرشده را تا حد یافتن شواهد صوری در متن فرو می‌کاهد. در یک‌سوی این دست پژوهش‌ها، مقالاتی قرار دارند که رئالیسم را به استخراج صوری عناصر داستان تقلیل می‌دهند و در دیگر سو، مقالاتی که استحصال اجتماعیات در متن ادبی را همسنگ و معادل بررسی رئالیسم می‌انگارند.

پرسامدترین مضامین مقالاتی که صرفاً به فرم اثر به‌مثابه رئالیسم نظر دارند، عبارت‌اند از: شخصیت‌پردازی، زمان و مکان، پیرنگ، توصیف جزئیات، زبان و ... که گاه

این بررسی‌های فرمی از توصیف عناصر داستان فراتر نمی‌رود (به‌عنوان مثال ر. ک. رضایی و رستمی، ۱۳۹۱). به‌عنوان مثال، استفاده از زبان محاوره به‌عنوان شاخصه نثر رئالیستی در نظر گرفته می‌شود: «نویسنده در موقعیت‌های مقتضی که به تشریح و توصیف دیالوگ‌های اشخاص داستان می‌پردازد، از بیان سبک قلم خارج شده، به نثر محاوره و طرز گفتار شخصیت‌های اثر روی می‌آورد.» (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۰ شراب خام). سپس براساس همین زمینه‌سازی کوتاه، نقل‌قولی از رمان به‌عنوان شاهد و سندی بر مدعای رئالیستی بودن در ساحت زبانی، اقامه می‌شود. اگر برکشیدن شواهدی از کاربرد زبان محاوره، یگانه ملاک رئالیستی بودن رمان در کاربرد زبان قلمداد شود، این میزان از کاربرد زبان محاوره را در همه زیرگونه‌های رمان (اعم از رئالیستی، مدرن، پست‌مدرن و ...) نیز می‌توان نشان گرفت؛ زیرا بسیاری از ویژگی‌هایی که به‌عنوان ویژگی رئالیستی، رمان را از انواع سنتی پیشامدرن متمایز می‌ساخت، به‌عنوان ویژگی‌های نوعی رمان درآمده و در همه انواع رمان به کار بسته شده است؛ به‌عبارت‌دیگر به هنگام تعیین ویژگی آثار رئالیستی، باید این سؤال را پیش چشم داشت که آیا ویژگی‌هایی که وجه تفارق رمان در مقابل انواع پیشامدرن است، به همان میزان رمان رئالیستی را از دیگر انواع رمان نیز متمایز می‌سازد؟ آیا می‌توان بر اساس نوع زبان، تمایز معناداری میان اثر رئالیستی و یا ناتورالیستی برقرار ساخت؟ گاه نیز در برخی مقالات، زبان محاوره و لهجه‌ها نه به‌عنوان مشخصه فرمی؛ بلکه ذیل بازتاب مسائل فرهنگی بررسی شده است. (سالیمان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸).

مشخصه نثر در داستان رئالیستی محدود به استفاده از زبان محاوره و عامیانه نیست و باید مجموعه ویژگی‌های زبانی را ملاک بررسی قرار داد. محققان، تکنیک رئالیسم در استفاده از زبان را سنت‌شکنانه دانسته‌اند (Levin, 1963: 62). رئالیست‌ها از صور بلاغی و عناصر شاعرانه احتراز می‌کردند و زیبایی بلاغی که قرن‌ها معیار ادبیت محسوب می‌شد در نوشتار رئالیستی به کناری نهاده شد. «فقر رمان در زمینه سنن صوری، ظاهراً بهایی است که می‌بایست برای رئالیسمش بپردازد.» (وات، ۱۳۸۶: ۱۸). نثر شفاف و خالی از پیرایه‌ها و صنایع بلاغی در آثار منتشرشده در زبان فارسی در باب رئالیسم به تواتر به لحاظ نظری تبیین شده و حسین پاینده این مشخصه را با عنوان «شفافیت روایی در برابر فصاحت بلاغی» (۱۳۸۹: ۷۳) صورت‌بندی نموده است. باوجوداین، گاه کاربرد صنایع بدیعی و بیانی جزو مؤلفه‌های رئالیستی در نظر گرفته شده است: «تردید نیست که هر اثر داستانی، به‌ویژه رمان، دارای نمودهایی از انواع صنایع بدیعی و بیانی در درون خود است.

آرایه‌هایی مانند تشبیه، استعاره، کنایه، عناصر خیال و ... که هنرمند رئالیست با کاربست ظریف هرکدام در موقعیت‌های لازم به آفرینش هر داستان می‌پردازد.» (مهری بیگدیلو و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۰).

احتراز از به کار بستن صور بلاغی با عناوین متفاوت «شعرستیزی»، «نفرت از شعر» و ... در مقالات متعددی طرح شده و شواهد مؤید آن از آثار متفاوت احصا شده است؛ اما غالب این مقالات به ارائه شاهد بسنده نموده و کمتر در پی چرایی و علت‌یابی اصول رئالیستی برمی‌آیند. به‌عنوان مثال، چرا رئالیسم از شاعرانگی کلام اجتناب می‌ورزد؟ این مؤلفه چه نسبتی با مفاهیم و انگاره‌های بنیادین رئالیسم برقرار می‌سازد؟ پرسش‌هایی از این دست، به‌ندرت در نوشتارهای فارسی پیش روی محققان سر برمی‌آورند و غالباً نیز بدون پاسخ و بررسی رها می‌شوند و یا اگر تلاشی اندک برای معنادار ساختن مؤلفه‌ها در ارتباط با اصول رئالیسم انجام می‌پذیرد، چون پاسخ‌ها، ارتباط معناداری با اصول و مبانی رئالیسم پیدا نمی‌کند، خود سلسله سؤالات بی‌پاسخ دیگری را به میان می‌کشد:

تا پیش از طلوع رمان به شکل امروزی، ادبیات داستانی به‌صورت سنتی به سبکی نوشته می‌شد که زیبایی‌های عارضی و صنایع بدیعی و لفظی و در یک کلام تصنع زبانی از اهمیت بلایی برخوردار نبود؛ اما در شکل جدید ادبیات داستانی، این سنت زبانی از میان رفت. شاید یکی از هدف‌های از بین بردن این سنت زبانی واقع‌گرایی رمان بود، چراکه مقاصد رئالیستی رمان نویسان واقع‌گرا چیزی بسیار متفاوت با قالب‌های پذیرفته شده نثر ادبی ایجاب می‌کرد؛ یعنی نثری روشن و ساده و به دور از هرگونه آرایه‌پردازی، تزئین و تصنع. (سالمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۹).

نویسندگان محترم این مقاله تلاش کرده‌اند تا عدول از سنت زبانی مبتنی بر زیبایی‌های بلاغی را با جستجوی فرم‌های متفاوت از قالب‌های متعارف و اتخاذ نثر روشن و بی‌پیرایه مرتبط سازند. هرچند این تلاش برای دلالت‌مندی نثر ساده و بی‌پیرایه رئالیستی، در جایگاه خود شایسته توجه است؛ اما پاسخ نویسندگان، سؤالات دیگری را فراروی محقق و مخاطب می‌نهد: چرا رئالیست‌ها دنبال نثر بی‌پیرایه و روشن بوده‌اند؟ درست است که نثر شفاف، مخاطبان طبقه متوسط را ذهن دارد؛ اما افزون بر این باید توجه داشت که مؤلفه‌های هر جنبش ادبی، نظریه و ... در ارتباط با کلیت اصول آن قابل‌درک است. به همین دلیل، طرد شاعرانگی را باید در ارتباط با دیگر اصول رئالیستی درک نمود.

زبان در رنالیسم به گونه‌ای به کار گرفته می‌شود که گویی نشانه دنیای واقعی یا حتی هم‌سان با آن است. بنیان این نوع نوشتار بر مطابقت میان دال و مدلول استوار شده است. (Coward, 2000: 295). رنالیست‌ها برای القای توهم واقعیت و ایجاد رابطه مستقیم میان بازنموده و بازنمایی، زبان شاعرانه را به کناری نهادند. افزون بر این، روایت رنالیستی حضور و مداخله راوی را در جریان روایت بر نمی‌تابد. شاعرانگی کلام حضور راوی را در پس روایت نمایان می‌سازد؛ بنابراین با «اصل راوی نامشهود» در داستان رنالیستی در تناقض است. همان‌طور که اکزل در نقد الگوی چتمن بیان کرده است، استفاده از صناعات ادبی نشانه برساختگی متن و حضور راوی است و سبک، به ویژه هنگامی که نقش بیانی (expressive function) دارد، صدای راوی را به گوش می‌رساند (Aczel, 1998: 471- 472). علاوه بر شاعرانگی، وجود صفت‌ها و قیده‌های ارزش‌گذار مبتنی بر قضاوت و ارزیابی نیز با بی‌طرفی راوی رنالیستی تجانس ندارد (صادقی محسن آباد، ۱۳۹۹: ۱۸۲). ارزیابی نثر رنالیستی و بی‌طرفی راوی از منظر صفت و قیده‌های ختشی و خالی از وجهیت ارزش‌گذار، در مقالات فارسی، چندان مطمح نظر نبوده و غالب پژوهش‌گران آن را در شمار معیارهای نثر رنالیستی نیاورده‌اند.

با وجود این که رنالیست‌ها عموماً بر نثر عاری از صنایع بلاغی تأکید ورزیده‌اند، تعدادی از مقالات فارسی، رنالیسم را در شعر واکاویده‌اند (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ رزاق‌پور و نوش‌آبادی، ۱۳۹۱؛ رزاق‌پور و نوش‌آبادی، ۱۳۹۱ و ...). پربسامدترین موضوعات این مقالات عبارت‌اند از: بیان واقعیت‌های جامعه، انتقاد از سکوت مردم در برابر استبداد و استعمار، جهل‌ستیزی، خرافات‌ستیزی، حمایت از کارگران و محرومان، نکوهش رابطه ارباب و رعیت، انتقاد از حضور بیگانگان، لزوم آزادی زنان، آزادی خواهی، انتقاد سیاسی و اجتماعی، دعوت به اتحاد، میهن‌دوستی و ... همان‌طور که از مباحث طرح‌شده پیداست، این مقالات فوراً را یکسره به کناری نهاده و رنالیسم را به بازتاب اجتماعیات در اثر ادبی فروکاسته‌اند.^۶ بدیهی است که در غالب آثار ادبی، تا حدودی، اجتماعیات منعکس می‌شود؛ اما حتی در مواردی که بازتاب اجتماعیات عنصر شاخص سبکی آثار باشد نیز، صرف انعکاس اجتماعیات به معنای رنالیستی بودن آن‌ها نیست؛ به دیگر معنا، شاید این آثار نگرش واقع‌گرایانه داشته باشند؛ اما باید نگرش واقع‌گرایانه با شیوه‌ها و تمهیدات نگارش واقع‌گرایانه همراه باشد تا بتوان آن آثار را رنالیستی خواند.

انفکاک صورت و محتوا در مقالات رئالیسم پژوهی، کاستی‌ها و نواقص متعددی را متوجه این دست پژوهش‌ها کرده است. رئالیسم «دارای یک بعد زیبایی‌شناسانه و یک بعد شناختی است که هیچ‌یک را نمی‌توان به‌طور کامل از دیگری جدا کرد.» (Pam, 2005: 9). از دیگر سو، درک و تعریف دقیق مؤلفه‌های صوری رئالیسم، در گرو ارزیابی ارتباط آن با دیگر عناصر داستانی است. بررسی مؤلفه‌های رئالیستی بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با دیگر عناصر و بی‌توجهی به اصول و مبانی رئالیستی، پژوهش‌ها را گاه تا حد یک فرمول و کلیشه قالبی فرو می‌کاهد که صرفاً با عوض کردن شواهد برآمده از متن رمان با رمان‌های دیگر در این قالب، می‌توان مقالات را به‌سرعت تکثیر کرد، بدون اینکه ساختار مقاله، مطالب و یافته‌های آن تغییر کند.

۴. عدم تمایز میان رئالیسم به‌عنوان مکتب ادبی یا سبک داستان‌نویسی

پیش‌تر در باب دشواری تعریف رئالیسم و ماهیت سیال مفاهیم وابسته به آن سخن رانیدیم. این سیالیت به تعریف رئالیسم و مفاهیم وابسته به آن محدود نمی‌شود و تا دسته‌بندی رئالیسم ذیل اصطلاحات ادبی مختلف، فرا می‌رود. برخی محققان، رئالیسم را ژانر دانسته‌اند و برخی دیگر آن را ذیل سبک‌های داستان‌نویسی دسته‌بندی نموده‌اند. «ایان وات رئالیسم را ... «فرم» می‌خواند و اصطلاح «رئالیسم صوری» را به کار می‌برد؛ آئورباخ از رئالیسم به‌عنوان «ژانر» یاد می‌کند؛ دنیس والدر نیز در کتاب *رمان رئالیستی فرم* و ژانر را به‌تناوب به‌جای هم به کار می‌برد.» (صادقی محسن‌آباد، ۱۳۹۳: ۴۴)

از دیگر سو، اصطلاح رئالیسم در یک معنا ناظر بر جنبش ادبی قرن نوزدهم است و در یک معنا بر سبکی از داستان‌نویسی اطلاق می‌شود که می‌کوشد جهان را به‌صورت عینی بازنمایی کند. رئالیسم به معنای سبک از حدود و ثغور یک برهه زمانی مشخص فراتر رفته و تمام نویسندگانی را که به این سبک قلم می‌زنند - از نویسندگان رئالیست قرن نوزدهم مانند بالزاک و استاندال تا نویسندگان حال حاضر - در برمی‌گیرد (Schehr, 2009: 1-2). در پژوهش‌های منتشرشده به زبان فارسی نیز، تمایز رئالیسم به معنای جنبش ادبی معرف قرن نوزدهم و سبک داستان‌نویسی طرح شده است (پاینده، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۶؛ صادقی محسن‌آباد، ۱۳۹۳: ۴۴-۴۱). تا بدان پایه که این تمایز در معنای رئالیسم را می‌توان جزو مشهورات این حوزه قلمداد کرد. با وجود این، عدم تمایز میان این دو معنا و کاربست

سبک و مکتب به جای یکدیگر در باب رنالیسم، فراگیرترین کاستی مقالات رنالیسم پژوهی است. غالب مقالات از رنالیسم در رمان فارسی به عنوان جنبش / مکتب ادبی یاد کرده‌اند (به عنوان نمونه ر. ک. حدادی و رنجبر، ۱۳۹۷: ۳۳۰؛ کیومرثی جرتوده، ۱۳۸۹: ۷۷ و ۸۰؛ حیدری و قرایی، ۱۳۹۸: ۸؛ ممتحن و لک، ۱۳۹۲: ۱۴۷ و ...). این تسامح گاه در مقالاتی به چشم می‌خورد که در بحث‌های مقدماتی، به تمایز میان معانی رنالیسم اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال در «بازتاب رنالیسم در رمان خانه‌ی ادیسی‌ها» نویسندگان، به نقل از پاینده (۱۳۸۹: ۲۶-۲۷) میان دو معنای خاص و عام رنالیسم؛ یعنی رنالیسم به عنوان جنبش ادبی قرن نوزدهم و سبک داستان‌نویسی تمایز قائل شده‌اند (فرضی و امانی آستمال، ۱۳۹۱: ۱۳۶). علیرغم این آگاهی و به کار بردن دقیق سبک رنالیستی در مورد رمان فارسی، گاه دچار لغزش شده و «عناصر مکتب رنالیسم» را در رمان خانه / ادیسی‌ها احصا نموده‌اند (همان: ۱۴۶) و در نهایت نیز از گرایش غزاله علیزاده به مکتب رنالیسم سخن به میان آورده‌اند. (همان: ۱۵۸).

در این میان، در مقاله «روایت واقعگرا در آثار داستانی ابراهیم گلستان» به درستی اشاره شده است که از نوشتار واقعگرایانه در ایران نمی‌توان به عنوان مکتب یاد کرد، به این دلیل که رنالیسم در ایران، نویسندگان پیشرو، بیانیه و اصول مدونی نداشته است (اکبری بیرق، ۱۳۸۸: ۱۳). در ادامه، نویسنده پیشنهاد داده است که به جای نام بردن از مکتب رنالیسم در بافت زبان فارسی و تفسیر رمان‌ها بر اساس اصول رنالیسم، صرفاً به جست‌وجوی مایه‌های واقع‌گرایانه در معنای کلی و عمومی آن بسنده شود (همان: ۱۳). با وجود دریافت صحیح نویسنده در باب مکتب رنالیسم، پیشنهاد ایشان در باب اکتفا به احصای شواهد و مایه‌های رنالیستی از رمان فارسی، جای تأمل و بازنگری جدی دارد. اگر نویسنده محترم، بحث را بر تمایز معانی رنالیسم به عنوان سبک و مکتب ادبی استوار می‌کردند، در تبیین نظری دچار مشکل نمی‌شدند و رنالیسم در ایران را به معنای سبک داستان‌نویسی پی می‌گرفتند.

۵. نتیجه‌گیری

در مقالات رنالیسم‌پژوهی منتشرشده به زبان فارسی، مباحث نظری رنالیسم چندان مطمئن نظر نبوده و از میان انبوه پژوهش‌ها صرفاً سه مقاله به مباحث نظری اختصاص یافته‌اند. تطور رنالیسم در دوره‌های مختلف حیات اجتماعی و سیاسی ایران نیز،

اصلاً محل توجه نبوده و هیچ پژوهش مستقلی در این باب انجام پذیرفته است. در این میان، شمار کثیری از مقالات به بررسی اصول یا برخی از مؤلفه‌های رئالیستی در یک یا چند اثر پرداخته‌اند و عموماً جنبه‌های فرمی و ساختاری را بررسی کرده‌اند. اصطلاح رئالیسم بر تارک شمار گسترده‌ای از مقالاتی نشسته است که از پیاده‌سازی مکانیکی اصول رئالیسم و استخراج مصادیق عناصر داستان فراتر نرفته‌اند. در این مقالات استفاده از اصطلاح رئالیسم سوئیة تزئینی دارد و جز موجه‌سازی کاربست قالب‌های کلیشه‌ای که پژوهش رئالیستی را تا حد الگوی آموزشی برای تمرین نقد فروکاسته‌اند، کارکرد دیگری برای آن متصور نیست. از دیگر سو، اصطلاح رئالیسم سرپوشی است بر بداهت یافته‌های توصیفی که در مواجهه نخستین از چشم مخاطب، در هر سطحی از دانش، پنهان نمی‌مانند. در این مقالات، پیوسته از مباحث بدیهی و مشهورات سخن گفته می‌شود؛ اما نه از پشتوانه‌های اندیشگانی مبانی رئالیسم سخن به میان می‌آید و نه اصول رئالیستی به‌گونه‌ای دلالت‌مند تفسیر می‌شوند. این دست مقالات نه پرتوی بر گوشه‌ای از متون بررسی شده می‌افکنند و نه به شناخت و درک بهتر رئالیسم منتهی می‌شوند.

بی‌نوشت‌ها

۱. گرانت دیمیان در کتاب *رئالیسم مستنداتی* سودمند از انعطاف‌پذیری و مهارناپذیری رئالیسم به‌دست داده است (۱۳۸۷: ۱۵-۱۰). تونی دیویس نیز در کتاب *اومانیسیم* «واقع‌گرایی» را یکی از آن کلماتی توصیف می‌کند که «طیف معانی ممکن آن از دقت و سواس گونه تا ابهام گسترده متغیر است» (cited in Pam, 2005: 9).
۲. این تعداد مقاله از طریق جست‌وجو در سایت‌های نمایه‌ساز مقاله‌های علمی پژوهشی استحصال شده است. ذکر قید تردید در متن بدین دلیل است که از یک‌سو، به‌روزرسانی این سایت‌ها، درمقایسه با چاپ و انتشار این مقالات، معمولاً با اندکی تأخیر صورت می‌گیرد؛ بنابراین احتمال دارد تعدادی از مقالات جدیدتر در این پژوهش گنجانیده نشده باشند.
۳. یک مقاله با دو عنوان «بازتاب رئالیسم در اشعار لاهوتی» و «رئالیسم در اشعار لاهوتی» با تغییرات اندک در دو نشریه متفاوت؛ توسط نویسندگان واحد منتشر شده است (ر. ک رزاق‌پور و نوش‌آبادی، ۱۳۹۲).
۴. بدیهی است که پاره‌ای از مطالب در باب هر مکتب یا نظریه ادبی ناظر به مشهوراتی است که نیاز به ارجاع ندارند؛ اما گاه طرح مطالب و یا نحو نوشتار آن‌قدر نشان‌دار است که عدم ارجاع برای

رنالیسم از مکتب ادبی تا بازتاب اجتماعیات ... (هاشم صادقی محسن آباد) ۲۰۷

خواننده آشنا و متخصص، یادآور متن پنهانی است که مطالب، بدون ارجاع، از آن نقل شده است. به عنوان مثال «رنالیسم در پی ارائه رونوشت از واقعیت نیست. توصیف و بازگفت واقعیت به شکلی که عیناً در جهان واقع اتفاق افتاده...» (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰). این نحو و سبک نوشتار، عین جملات مقاله دیگری در حوزه رنالیسم است که جزو منابع این مقاله بوده است؛ اما در این فقره به آن ارجاع نداده‌اند (ر. ک. صادقی محسن آباد، ۱۳۹۳: ۸۳).

۵. بدفهمی‌های نظری که در میان مقالات فراگیر بوده، در متن مقاله به تفصیل بررسی شده‌اند؛ اما بدفهمی‌های مصداقی نیز در پاره‌ای از مقالات قابل پی‌گیری است که فراگیر نبوده است. به عنوان مثال در یک مقاله «استناد به رسانه‌های خبری» جزو معیارهای رنالیسم قرار گرفته است: «استناد به روزنامه‌های وقت، نقش بسزایی در واقعی جلوه دادن آثار داستانی دارد زیرا بریده‌های جراید با «کشاندن واقعیات اجتماعی به بطن رمان، به واقع‌گرایی نوع رمان کمک شایانی می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۶ در رنجبر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۱). در حالی نویسندگان به مقاله فتوحی استناد کرده‌اند که تحلیل فتوحی و صادقی نسبتی با برداشت نویسندگان این مقاله ندارد. فتوحی و صادقی تعامل و تداخل روزنامه‌نگاری با رمان‌های فارسی را طبق نظریه نظام‌های چندگانه توضیح داده‌اند و تحلیل آن‌ها با برداشت نویسندگان این مقاله کاملاً متفاوت است.

۶. فروکاستن رنالیسم به اجتماعیات منحصر به این مقالات نیست و در آثاری که به بررسی تطبیقی آثار رنالیستی پرداخته‌اند نیز فراوان به چشم می‌خورد.

کتاب‌نامه

- اکبری بیرق، حسن. (۱۳۸۸). «روایت واقع‌گرا در آثار داستانی ابراهیم گلستان». *مجله تاریخ ادبیات*. شماره ۶۲. صص ۵-۲۷.
- اویسی کهخا، عبدالعلی، فرهادی، طیبه. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل داستان «بند» محمود دولت‌آبادی بر پایه اصول مکتب رنالیسم». *دوفصلنامه تخصصی مطالعات داستانی*، سال سوم، شماره چهارم. صص ۸-۲۴.
- بیکن، فرانسیس (۱۳۹۲). *نوارغنون*. ترجمه محمود صناعی. تهران: جامی.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۹). *داستان کوتاه در ایران (داستان‌های رنالیستی و ناتورالیستی)*. جلد اول. تهران: انتشارات نیلوفر.
- پروینی، خلیل؛ قبادی، مصیب و ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۱). «رنالیسم در سبک بنیانگذاران داستان‌نویسی عربی و فارسی (محمود تیمور و محمدعلی جمال‌زاده)». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. ش ۳ (پیاپی ۱۱). صص ۴۹-۶۴.

خاتمی، احمد و تقوی، علی (۱۳۸۵). «مبانی و ساختار رئالیسم در ادبیات داستانی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شماره ششم. صص ۹۹-۱۱۱.

دیمیان، گرانت (۱۳۸۷). *رئالیسم*. ترجمه حسن افشار. چاپ پنجم. تهران: نشر مرکز.
رادفر، ابوالقاسم، حسن‌زاده میرعلی، عبدالله (۱۳۸۳). «نقد و تحلیل وجوه تمایز و تشابه اصول کاربردی مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، شماره ۳. صص ۴۴-۲۹.

رزاق‌پور، مرتضی و نوش‌آبادی سمیه (۱۳۹۱). «بازتاب رئالیسم در اشعار ایرج میرزا». *مجله علمی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی فسا*، س ۳، ش ۳ (پیاپی ۷). صص ۱۱۷-۱۴۴.

رزاق‌پور، مرتضی و نوش‌آبادی سمیه (۱۳۹۲). «بازتاب رئالیسم در اشعار لاهوتی». *فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی*. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج. سال پنجم، شماره ۱۴. صص ۶۳-۸۵.

رزاق‌پور، مرتضی و نوش‌آبادی سمیه (۱۳۹۲). «رئالیسم در اشعار لاهوتی». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. شماره ۱۲. صص ۶۷-۹۴.

رضایی، احمد و رستمی، الهه (۱۳۹۱). «بررسی و مقایسه رئالیسم در عناصر داستانی دوستی خاله خرسه جمال‌زاده و زار صفر رسول پرویزی». *فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی*. سال اول، شماره دوم. صص ۱۸-۳۳.

رمضانی، پروانه، فرصتی جویباری، رضا؛ پارسایی، حسین؛ یزدان‌پناه، مهرعلی (۱۳۹۵). «فرخی‌یزدی منادی رئالیسم انقلابی در عصر مشروطه». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. شماره ۳ (پی‌درپی ۲۴). صص ۱۵۱-۱۷۱.

رنجبر، ابراهیم، خدابخش اسداللهی، عسگر صلاحی، ایمان مهری بیگ‌دیلو (۱۳۹۶). «تحلیل جلوه‌های رئالیسم در رمان *شراب خام*». *نشریه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز*. سال ۷۰ شماره ۲۳۶. صص ۹۹-۱۱۶.

حدادی، محمدحسین و سمیرا، رنجبر (۱۳۹۷). «بررسی مقایسه‌ای شطرنج‌باز، اثر تسوایگ و چشم‌هایش، بزرگ علوی از منظر رئالیسم». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. دوره ۲۳، شماره ۲. صص ۳۲۹ تا ۳۵۴.

حیدری، مهدی و قرایی، شهلا (۱۳۹۸). «تحلیل و بررسی نقش رئالیسم در جامعه ادبی ایران و فرانسه با مطالعه تطبیقی رمان‌های دهقانان اثر بالزاک و نهرین زمین اثر جلال آل احمد». *نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*. دوره دوم، شماره دوم (پیاپی ۳). صص ۱-۱۹.

رنالیسم از مکتب ادبی تا بازتاب اجتماعیات ... (هاشم صادقی محسن آباد) ۲۰۹

- سالامیان، غلامرضا؛ آرتا، سید محمد و حیدری، دنیا (۱۳۹۲). «بازتاب مؤلفه‌های مکتب رنالیسم در رمان شوهر آهو خانم». فصلنامه زبان و ادبیات فارسی. سال ۲۱ شماره ۷۵. صص ۱۷-۴۵.
- صادقی، محسن آباد، هاشم (۱۳۹۳). «تأملی در اصول و بنیادهای نظری رنالیسم در ادبیات» فصلنامه نقد ادبی. س ۷، ش ۲۵. صص ۷۰-۴۱.
- صادقی محسن آباد، هاشم (۱۳۹۹). «راوی مداخله‌گر نخستین رمان‌های فارسی؛ چالش واقع‌گرایی». فصل‌نامه نقد ادبی. س ۱۳، شماره ۵۲. صص ۲۰۴-۱۶۹.
- فرضی، حمیدرضا و امانی آستمال، رستم (۱۳۹۱). «بازتاب رنالیسم در رمان خانه‌ی ادیسی‌ها». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. شماره (پی‌درپی ۹). صص ۱۳۵-۱۵۹.
- قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۸۸). «زیبایی‌شناسی و سیاست؛ بازتاب سیاست در رویکرد رنالیستی به هنر». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال پنجم، شماره اول. صص ۱۹۷-۱۶۷.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه. ترجمه سید جلال‌الدین مجتوی. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمی مطهر، جان الله و اکبرزاده ناهید (۱۳۹۲). «بازتاب رنالیسم انتقادی روسیه در ادبیات فارسی معاصر. مطالعه موردی: وکلای مرافعه اثر میرزا فتحعلی آخوندزاده». ادب فارسی. دوره ۳، شماره ۱، شماره پیاپی یازده. صص ۵۹-۷۱.
- کیومرثی جرتوده، محمد (۱۳۸۹) «بررسی نهضت رنالیسم در داستان‌های کوتاه فارسی و اردو (نگاه اجمالی و مقایسه‌ای)». پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۵۹. صص ۷۵-۸۶.
- مسبوق، سید مهدی و دلشاد، شهرام و آقاجانی حمید (۱۳۹۶). «درآمدی تطبیقی بر شاخصه‌های رنالیسم در آثار غلامحسین ساعدی و طیب صالح (مطالعه موردی داستان گاو و دومه ود حامد)». کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی. سال هفتم، شماره ۲۶. صص ۱۲۹-۱۴۴.
- ممتحن، مهدی و لک، ایران (۱۳۹۲). «تحلیل تطبیقی دو مکتب واقع‌گرایی و نمادگرایی در آثار نجیب محفوظ و احمد محمود». کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی-فارسی). سال سوم، شماره ۱۲. صص ۱۴۷-۱۷۴.
- مهری بیگدیلو، ایمان؛ رنجبر، ابراهیم؛ اسداللهی، خدابخش (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های رنالیسم در «اسیر زمان»». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. سال ۱۴، شماره ۵۶. صص ۱۵۵-۱۳۵.
- وات، ایان (۱۳۸۶). «طلوع رمان». در نظریه‌های رمان. ترجمه حسین پاینده. تهران: انتشارات نیلوفر.

- Coward, Rosalind and John Ellis. (2000). "From Language and Materialism: Developments in Semiology and the Theory of the Subject". In *Theory of the Novel: A historical Approach*. By Michael McKeon (editor). Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press. pp. 593-600.
- Levin, Harry (1963). *The Gates of Horn: A Study of Five French Realists*. New York and Oxford: Oxford University Press.
- Pam, Morris (2005). *Realism*. London: Taylor & Francis Routledge.
- Wellek, Rene (1969). "The Concept of Realism in Literary Scholarship". In *Neophilologus*. Volume 45, Issue 1, pp. 1- 20.
- Schehr, Lawrence. R. (2009). *Subversion of Verisimilitude: Reading Narrative from Balzac to Sartre*. New York: Fordham University Press.

مقاله‌شناسی

- آبشیرینی، اسد (۱۳۹۸). «بررسی فرآیند خلق معنای واقعیت در زبان نثر رئال- ناتورال چوبک با تکیه بر داستان «چرا دریا طوفانی شده بود». نشریه زبان و ادبیات فارسی. شماره ۸۷. صص ۳۲-۷.
- اطهاری نیک‌عزم، مرضیه (۱۳۹۰). «بررسی نشانه- معنانشناختی رئالیسم و تعامل میان ناظر و عنصر آگاه‌کننده در «انسان و صدف» اثر پل والری». *نقد زبان و ادبیات خارجی*. دوره چهارم، شماره ۷. صص ۱۷-۱.
- ایزانلو، امید و عبداللهی، حسن (۱۳۹۲). «واقع‌گرایی در داستان‌های «مدیر مدرسه» و «زقاق المدق» نجیب محفوظ». *زبان و ادبیات عربی*، شماره نهم. صص ۴۳-۲۳.
- بصیری، محمدصادق؛ صرفی، محمدرضا؛ تقوی علی (۱۳۹۳). «نقد و تحلیل رئالیسم در ادبیات داستانی ایران». *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*. سال سوم. شماره ۱. صص ۱۴۳-۱۶۲.
- بهنام، مینا (۱۳۹۴). «رہیافتی تطبیقی بر کاربرد زبان در دو مکتب رئالیسم و سوررئالیسم از رهگذر بررسی رمان سووشون و بوف کور». *زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*. سال هفتم، شماره ۱۶. صص ۳۲-۷.
- پارسا، سید احمد؛ طاهری، یوسف؛ صادقی، حسین (۱۳۸۹). «روش علمی صادق هدایت در پردازش داستان‌های کوتاه رئالیستی». *نشریه مطالعات داستانی*. سال اول، شماره ۲. صص ۱۷۷-۱۵۶.
- پاشایی، محمد؛ رضانی، ابوالفضل (۱۳۹۶). «واکای مؤلفه‌های رئالیسم در آثار داستانی جمال‌زاده و آل احمد». *زبان و ادبیات فارسی*. سال ۷۰، شماره مسلسل ۲۳۵. صص ۱۷-۳۸.

رنالیسم از مکتب ادبی تا بازتاب اجتماعیات ... (هاشم صادقی محسن آباد) ۲۱۱

پاینده، حسین (۱۳۸۸). «رمان رنالیستی یا سند اجتماعی؟ نگاهی به مدیر مدرسه آل احمد». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. سال اول، شماره دوم. صص ۹۸-۶۹.

پورنامداریان، تقی و ابراهیمی فخاری، محمدمهدی (۱۳۹۸). «بررسی گذار از شخصیت‌پردازی رنالیستی به مدرنیستی در «داش آکل» صادق هدایت». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، سال ۱۶ شماره ۶۳. صص ۳۶-۹.

حسن‌زاده میرعلی، عبدالله (۱۳۸۴). «مقایسه تحلیلی رمان‌های ناتورالیستی «نانا» و رنالیستی «باباگوریو». *دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. دوره جدید، شماره چهارم. صص ۱۲۱-۹۹.

حیدری، محمود و حاتمی تل مارانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی مبانی رنالیسم در رمان «النهیات» اثر عبدالرحمان منیف و «اوسنه بابا سبحان» اثر محمود دولت‌آبادی». *ادبیات پارسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ششم، شماره چهارم. صص ۴۸-۲۷.

حیدری، مهدی و قرایی، شهلا (۱۳۹۸). «تحلیل و بررسی نقش رنالیسم در جامعه ادبی ایران و فرانسه با مطالعه تطبیقی رمان‌های دهقانان اثر بالزاک و نغزین زمین اثر جلال آل احمد». *نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*. دوره دوم، شماره دوم (پیاپی ۳). صص ۱-۱۹.

رنجبر، ابراهیم (۱۳۹۳). «بررسی جنبه‌های رنالیستی رمان «جزیره سرگردانی». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، سال ۱۱، شماره ۴۳. صص ۷۲-۵۳.

رونقی نوتاش، مهناز و فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). «از رنالیسم تا مدرنیسم، انبوه انسان تنها در رمان‌های معاصر فارسی با تکیه بر ارتباطات انسانی». *مطالعات رسانه‌ای*. سال ششم، شماره دوازدهم. صص ۱۳۲-۱۱۹.

زینالی، پروین (۱۳۹۷). «رنالیسم سوسیالیستی در دو رمان همسایه‌ها و داستان یک شهر احمد محمود». *زبان و ادب فارسی*. سال دهم، شماره ۳۷. صص ۹۵-۱۲۷.

صادقی شهپر، رضا و شفایی، صفورا (۱۳۹۲). «جلال آل احمد و نقض اصول رنالیسم در داستان‌نویسی». *زبان و ادب فارسی*. شماره ۱۷، سال پنجم، زمستان ۱۳۹۲.

علوی، فریده (۱۳۸۲). «پژوهشی در سیر رنالیسم داستانی: از شارل سورل تا نیکلا رتیف». *نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان*. شماره ۱۴. صص ۱۰۸-۸۳.

کوچکیان، طاهره و قربانی، خاور (۱۳۸۹). «بازتاب اجتماع و رنالیسم سوسیالیستی در سال‌های ابری، اثر علی‌اشرف درویشیان». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*. سال ۵۳، شماره مسلسل ۲۲۰. صص ۱۰۵-۸۶.

مجیدی، حسن و رستمی، طاهره (۱۳۹۲). «تحلیل و بررسی ویژگی‌های رئالیسم در داستان زقاق‌المادق نجیب محفوظ». فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال اول، شماره سوم. صص ۷۶-۹۱.

مرادی، کبری و سیفی طیبه (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی رئالیسم انتقادی در داستان‌های مصطفی لطفی منفلوطی و محمدعلی جمال‌زاده». فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی. دوره ۷، شماره ۴. صص ۱۳۹ تا ۱۶۰.

مهدی‌پور، علیرضا (۱۳۹۰). «بررسی حکایت ناتمام آشپزباشی، اثر جفری چاسر از منظر رئالیسم». نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان. شماره ۶۲. صص ۱۱۲-۹۳.

نظری، نجمه و محملو، مهناز (۱۳۹۴). «رد پای رئالیسم در "به کی سلام کنیم؟"». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. شماره ۲۱. صص ۱۹۵-۲۱۴.

نیکجوی تبریزی، راحله (۱۳۹۵). «واقعگرایی در جریان شعر نو (نیمایی)». پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۱، شماره ۲. صص ۵۰۰-۴۸۷.

ولی‌زاده، حمید، خالقی علی و رمضانی، مهدی. (۱۳۹۲). «بررسی و مقایسه رویکردهای واقع‌گرایانه طلایه‌داران داستان کوتاه فارسی و عربی (یوسف ادریس و جمال‌زاده)». مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد فسا. س ۴، ش ۲ (پیاپی ۹). صص ۸۷-۷۵.